



۲۰۱۵/۱۲/۹



جلیل غنی

توضیحاتی بر تبصره ها و نظریات

در مورد مذاکرات قلب آسیا

دوست گرامی و همکار عالیقدر جناب عارف عباسی

از اینکه از مقاله اخیر من تحت عنوان « مذاکرات بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس قلب آسیا » به نیکوئی یاد نموده اید یک جهان سپاس.

تشکیل دادن پاکستان توسط برتانیه بعد از انقسام هند برتانوی به هند و پاکستان، باعث ایجاد یک معضله منطقی گردید که اکنون به یک بحران منطقی منجر گردیده است. از یک طرف کشمیر، بین هند و پاکستان تقسیم شد و یک کتله عظیم دارای مشترکات عمیق فرهنگی و زبانی و قرابت های خانوادگی و قومی و عقیدتی از یکدیگر مجزا گردید و هسته تشنج را بین هند و پاکستان خلق نمود که تا کنون حل نگردیده و از جانب دیگر یک قوم بزرگ دیگر را با کشیدن خط معروف به دیورند از بدنه ملت افغانستان جدا ساخته و این جدائی و تقسیم را بر امیران دست نگر و محتاج افغانستان قبولاند که تا کنون این معضله حل نشده و ضربات این خط کشی های با نیات نا میمون سیاسی را ملت های منطقه تحمل میکنند. و در عین زمان پاکستان را به دو محل یک هزار کلومتر دور تر از هم بدون ارتباط مستقیم و هم مرز بودن، به پاکستان شرقی و غربی تقسیم نمود تا اینکه پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۱ در یک قیام آزادی خواهی به رهبری حزب مسلم لیگ به کمک هند و با تلفات سه صد هزار نفر استقلال خود را اعلام داشت ولی قضیه پشتون های آنطرف خط فرضی دیورند و کشمیر همچنان باقی است.

در رابطه با مناسبات هند برتانوی و افغانستان معاهداتی بین دو طرف به سرکردگی برتانیه برای تداوم حکمروائی برتانیه بر هند کبیر و تأمین منافع دراز مدت آن کشور بر نیم قاره معاهداتی به امضاء رسانید که در متن این مقاله نیز تذکر دادم. از این معاهدات محض برای مثال یاد آوری گردید چون هر یک از معاهدات جداگانه، در طول بیش از یکصد سال و یا کمتر از آن، در بعضی موارد تحت غور و تدقیق و تحلیل و تجزیه مؤرخین و اهل خبره قرار گرفته و پیچیدن به آن از موضوع اصلی مقاله از یکطرف خارج بود و از جانب دیگر باز کردن درب دیگری برای بحث بر گذشته های دور بود که هدف اصلی نوشته را کنار می گذاشت. ولی شکی نیست که تذکرات شما بر معلومات قسمتی از این مقاله می افزاید. به اجازه جناب شما در مورد تبصره اول شما در رابطه

با معاهده راولپندی به عرض برسانم که معاهده راولپندی که شما نام برده اید و بنام «عهد نامه صلح فی مابین دولت بهیه برتانیه و دولت مستقلة افغانستان یاد شده در ۸ آگست ۱۹۱۹ عقد گردیده نه در ۱۹۲۱. همین معاهده بود که استقلال داخلی و خارجی افغانستان را به رسمیت شناخت و در مورد سرحد بین هند برتانوی با افغانستان ماده پنجم معاهده راولپندی حکم می کند: «دولت افغانستان سرحد بین هندوستان و افغانستان را که امیر مرحوم قبول نموده بودند، قبول می نماید...»

این معاهده را از طرف افغانستان علی احمد ناظر داخلیه (وزیر داخله) و رئیس هیات صلاحیه دولت علیه افغانستان و از جانب برتانیه سر هملتن، گرانٹ فارن سکرتری دولت هند و رئیس هیات مصالحت دولت برتانیه امضاء کردند.

(افغانستان در مسیر تاریخ ص-۷۷۴، میر غلام محمد غبار)

معاهده ۱۹۲۱ که جناب شما تذکر داده اید و از جمله منجر به برقراری روابط سیاسی بین افغانستان و انگلیس گردید در کابل امضاء شد. در پنجم جنوری ۱۹۲۱ هیات انگلیس از طریق خیبر وارد افغانستان شد و در نهم جنوری همین سال به کابل آمد و در دهم جنوری در وزارت خارجه افغانستان با محمود طرزی ملاقات نمود و متعاقباً به شاه امان الله خان تقدیم شد. این مذاکرات یازده ماه طول کشید و پس از رفع تشنجات و اختلافات زیاد آخر الامر بین محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان و سر هنری دابس رئیس هیات برتانیه در کابل به امضاء رسید. ماده دوم این معاهده حکم می کند: « دولتین علیتین عاقدین با المقابل سرحد هندوستان و افغانستان را به طوری که دولت علیه افغانستان به موجب ماده پنجم عهد نامه که به تاریخ ۸ آگست ۱۹۱۹ عیسوی مطابق ۱۱ ذیقعده الحرام ۱۳۳۷ هجری در راولپندی انعقاد یافته است، قبول کرده بود، قبول می نمایند....»

(افغانستان در مسیر تاریخ ص-۷۷۹، میر غلام محمد غبار)

بنا برین دولت برتانیه وقتی به جواب یادداشت شاه محمود خان صدراعظم از معاهده ۱۹۲۱ یاد آور میشود منظورش همین معاهده بین محمود طرزی و سر هنری دابس است که در آن، معاهده راولپندی نیز تائید شده است. در رابطه با تلاش های امان الله خان برای بدست آوردن سر زمین های از دست رفته حسین رحیمی در مقاله تحت عنوان «سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان و تاثیر آن بر همکاری های منطقوی» که مجموعه مقالات مربوط به سیاست خارجی افغانستان با کشور های منطقه و جهان است و از طرف مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان نشر شده، یاد آور می شود که «امان الله خان پس از استقلال در ۱۹۱۹ میلادی تلاش های زیادی کرد تا خاک های مزبور را دوباره به دست آورد اما موفق نشد»

(مرکز مطالعات استراتژیک ۱۴۰۷:۲۰۰۷) ولی نویسنده از این تلاش ها تفصیل نمی دهد. با در نظر داشت این که نویسنده احتمالاً به آرشیف وزارت خارجه افغانستان دسترسی داشته و این مقاله هم ضمیمه مقالات دیگر در رابطه با سیاست خارجی افغانستان در برابر کشورهای مختلف از طرف مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان نشر گردیده، میشود نتیجه گرفت که امان الله خان واقعاً سعی نموده سر زمین های از دست رفته را بدست آورد ولی موفق نشده است.

در مورد برسمیت شناختن پاکستان از طرف افغانستان و تعیین شاه ولی خان به حیث سفیر افغانستان در کراچی آقای رحیمی درین مقاله خویش می نویسد: « دولت پاکستان به عنوان وارث و جا نشین دولت هند برتانوی مناطق سر زمین شمالغرب شبه قاره هند را که از لحاظ تاریخی، فرهنگی، و اجتماعی پیوند عمیقی با افغانستان داشتت تصرف کرد، اما محمد ظاهر شاه پادشاه وقت افغانستان و صدراعظم شاه محمود خان، در زمان تشکیل کشور پاکستان واکنش منفی از خود نشان ندادند و بدون تاخیر دولت پاکستان را به رسمیت شناختند و روابط سیاسی و دیپلوماتیک میان طرفین برقرار شد. مارشال شاه ولی خان کاکای شاه به حیث اولین سفیر افغانستان درنومبر ۱۹۴۷ به شهر کراچی پایتخت پاکستان^۱ اعزام شد متقابلاً پاکستان نماینده خود را در هیمن سال به کابل اعزام داشت (اندیشمند ۱۳۸۶: ۴۴)

(سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری های منطوقی ص ۱۳۵ -)

جای هیچ گونه شک و شبه وجود ندارد که موضوع خط دیورند برای ملت و دولت افغانستان یک موضوع عمده ملی و تاریخی بوده که قبول انقطاع عضوی از بدنه ملت به هیچ صورت برای ملت افغانستان قابل قبول نیست و درد آور است. این مسأله همان طوریکه گفته شد به یک بحران عظیم بین دو کشور همسایه تبدیل شده و موجب آن گردیده که مناسبات افغانستان و پاکستان را از همان آغاز تشکیل پاکستان مکرر بسازد. اما راه حل این معضله تربیه، تجهیز و تمویل و گسیل دهشت افگنان و ریختن خون ده ها هزار بیگناه زن و مرد و طفل افغان که پاکستان آنرا پیشه نموده، نیست بلکه با نظری به سایر موضوعات مشابه در جهان مثل چک و سلواکیا، تیمور شرقی، یمن و ده ها مثال دیگر میشود که این اختلاف نیز از راه های مذاکره و تفاهم بین جانبین راه حلی بیابد.

پایان

^۱ در آن وقت پایتخت کشور پاکستان شهر کراچی بوده است